

## ره آورد معراج

حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدرضی آصف آگاه\*

### اشاره

اصل معراج، از امور قطعی اسلام است و روایات آن، نزد شیعه و اهل سنت به حد تواتر است.<sup>۱</sup> این آموزه، از عقاید ضروری است؛ به گونه‌ای که انکار آن، موجب خروج از مرز ایمان حقیقی و تشیع راستین می‌شود.<sup>۲</sup>

معراج پیامبر، از مکه شروع و به سدره المنتهی و سپس عرش الهی ختم شد.<sup>۳</sup> گفتنی است که پیامبر ﷺ دارای معراج‌های متعدد بود؛<sup>۴</sup> اما مهم‌ترین آن، در هفدهم ماه رمضان بین سال‌های سوم تا پنجم بعثت واقع گردید.<sup>۵</sup> این سفر، با همراهی جبرئیل و معراجی جسمانی روحانی بود.<sup>۶</sup> در خصوص معراج پیامبر ﷺ بحث‌های متعددی انجام گرفته است. ده‌ها اثر علمی و پژوهشی نیز در این خصوص سامان یافته‌اند؛ ولی درباره ره آورد

---

\* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. ر.ک: شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۱، ص ۲۳۰، ذیل ح ۲۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۸۹؛ طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۹؛ فخررازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ذیل آیه اول سوره اسراء.
۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۱۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۷؛ ر.ک: فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۲۹؛ مجلسی، محمدباقر، اعتقادات، ص ۸۹؛ لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۳۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱.
۳. ر.ک: آیه اول سوره اسراء، آیات آغازین سوره نجم. پیامبران دیگر نیز معراج داشتند؛ مثلاً معراج ابراهیم تا آسمان دنیا (انعام، ۵۷) و معراج عیسی تا آسمان چهارم (نساء، ۱۵۸).
۴. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۷۱-۳۸۱؛ المیزان، ج ۱۳، ص ۲۹-۳۰؛ ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۰۶.
۵. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۷۹.
۶. ر.ک: المیزان، ج ۱۳، ص ۳۱، ج ۱۹، ص ۳۶ (سوره اسراء و نجم)؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۲؛ ر.ک: مازندرانی، ملاصالح، شرح اصول کافی، ج ۷، ص ۱۵۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: علیرضا زکی‌زاده رنانی، پژوهش قرآنی و روایی درباره معراج پیامبر، ص ۲۸۹-۳۰۶؛ محمدی شاهرودی، عبدالعلی، معراج در آینه استدلال، ص ۲۹۷-۳۰۵ و ص ۳۱۹-۳۷۴.

معراج، بحث‌های کمتری صورت گرفته است. از این رو، بر آن شدیم این موضوع را بررسی نمایم.

### معراج در لغت

معراج در لغت به معنای نردبان، پلکان و آنچه به وسیله آن بالا روند.<sup>۱</sup> وسیله‌ای که با کمک آن انسان، به بلندی صعود می‌نماید.<sup>۲</sup> در روایات و تفاسیر، این واژه در مورد مسافرت جسمانی و روحانی پیامبر ﷺ از مکه به بیت المقدس و از آنجا به آسمان‌ها و سپس به وطن خویش به کار رفته است.

### معراج در قرآن

آیات معراج، دو گونه‌اند:

الف. آیاتی که به روشنی به این سیر شبانه اشاره دارند. این سیر، از سه قسمت تشکیل شده: ۱. سیر زمینی از مسجد الحرام تا بیت المقدس<sup>۳</sup> (اسراء/۱) به وسیله مرکب بهشتی به نام «بُراق»؛ ۲. سیر آسمانی از مسجد الاقصی تا سدره المنتهی با براق؛ ۳. سیر از سدره المنتهی تا عرش الهی و مقام «قاب قوسین أو ادنی» (نجم/۹) به وسیله مرکب «رُفرف».

ب. آیاتی که با واقعه معراج در ارتباطند، مانند آیات ۲۸۴ تا ۲۸۶ سوره بقره (آیات رفع تکالیف دشوار از امت پیامبر اکرم).

### معراج در روایات

روایات معراج، چهار دسته‌اند:

۱. روایاتی که بیانگر اصل معراج هستند. این روایات، در حد تواترند؛ ۲. روایاتی که بیانگر خصوصیات معراج است و مانع عقلی در پذیرفتن آن‌ها نیست، مانند روایاتی که عجایب خلقت، بهشت و دوزخ و ملاقات با پیامبر ﷺ را به تصویر می‌کشند؛ ۳. احادیثی که در ظاهر قابل پذیرش نیستند؛ اما قابل توجیه می‌باشند، مانند دیدار بهشتیان

۱. معین، فرهنگ فارسی معین، واژه «معراج».

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳. فاصله مسجدالحرام تا بیت المقدس، ۱۲۰۰ کیلومتر است.

و دوزخیان در بهشت و جهنم؛ ۴. روایاتی که محتوای باطل و نامعقول دارند، مانند این که پیامبر روی تخت خدا نشست و او را با چشم سر مشاهده کرد.<sup>۱</sup>

### مهم ترین ره‌آوردهای معراج

پس از روشن شدن معنای معراج، ره‌آوردهای آن را پی می‌گیریم که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱. جهان‌شناسی و اکتشافات علمی

در معراج، حقایق ناپیدای هستی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان داده شد. ثابت بن دینار از امام سجاد علیه السلام پرسید: اگر خدا جای خاصی ندارد، چرا پیامبر را به آسمان برد؟ حضرت فرمود: «لِئِيَّاهُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَمَا فِيهَا مِنْ عَجَائِبِ صُنْعِهِ وَبَدَائِعِ خَلْقِهِ»<sup>۲</sup> برای این که ملکوت آسمان‌ها و شگفتی‌های آن و آفرینش‌های تازه و بدیع را به او نشان دهد. خدا همان گونه که ملکوت آسمان و زمین را به ابراهیم نشان داد تا اهل یقین گردد،<sup>۳</sup> ملکوت عالم را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نشان داد؛ به گونه‌ای که هر آنچه را در آسمان و زمین و عرش بود، مشاهده نمود.<sup>۴</sup> قرآن مجید هدف از معراج را نمایش آیات الهی به پیامبر می‌شمارد.<sup>۵</sup> آیات الهی، مصادیق بسیاری دارد. یکی از آن آیات، شگفتی‌های جهان می‌باشد.<sup>۶</sup> معراج، سفر زمینی، فضایی و آسمانی شگفت‌انگیزی بود که در آن، پیامبر با مشاهده عینی کرات، منظومه شمسی، کهکشان‌ها و آسمان‌های هفت‌گانه عجایب آفرینش را با دیده سر مشاهده کرد و قدرت بی‌نهایت الهی را به عین الیقین لمس نمود.

۱. رک: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۹۵.

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۱۵۰، ح ۲۱.

۳. اشاره به آیه ۷۵ سوره انعام؛ «كَذَلِكَ نُرَىٰ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ».

۴. صفار قمی، حسن، بصائر الدرجات، ص ۱۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۷۲.

۵. «لِئِيَّاهُ مِنْ آيَاتِنَا» (اسراء، آیه ۱)؛ «لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى» (نجم، آیه ۱۸).

۶. عده‌ای از مفسران، مراد از «آیات» را شگفتی‌های آفرینش دانسته‌اند، مانند: شیخ طوسی، تبيان، ج ۶، ص ۴۴۷؛

زمخشري، کشاف، ج ۴، ص ۴۲۱، طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۹۴؛ فخررازی، تفسیر کبیر، ج ۲۰، ص ۱۴۷؛

بیضاوی، انوار التنزیل، ج ۲، ص ۴۳۰.

در این سفر، پیامبر آسمان‌های هفت‌گانه را پیمود و پیامبران، ملائکه، بهشت و بهشتیان، جهنم و جهنمیان را مشاهده نمود. درختان، شهرها و درب‌های بهشتی را دید و تا عرش الهی پیش رفت.<sup>۱</sup>

گاهی اشکال می‌شود، چنین سفری با علم بشر سازگار نیست و باید به چند پرسش پاسخ داده شود: ۱. پیامبر با نیروی جاذبه زمین چگونه مقابله کرد؟ ۲ و ۳. پیامبر بر مشکل بی‌وزنی و فقدان هوا چگونه فایق آمد؟ ۴ و ۵. پیامبر از آسیب اشعه‌های کیهانی و شهاب سنگ‌ها چگونه در امان ماند؟

در پاسخ می‌گوییم: اگر یک قرن پیش پاسخ این پرسش‌ها مشکل بود، اما هم‌اکنون بسیار ساده است و سفینه‌های فضایی نشان داده‌اند که چگونه این امر امکان‌پذیر است. در عین حال، به اختصار پاسخ پرسش‌های پنج‌گانه را می‌دهیم.

۱. جاذبه زمین را با نیروی بیشتر از آن می‌توان شکست. امروزه ثابت شده با داشتن سرعت ۴۰/۰۰۰ کیلومتر در ساعت، جاذبه زمین شکسته می‌شود. مرکب پیامبر (براق) نیز سرعت حیرت‌انگیزی داشته است. پیامبر ﷺ فرمود: «اگر خدا به براق اذن می‌داد، دنیا و آخرت را با یک گام می‌پیمود.»<sup>۲</sup>

۲. وزن هر چیز، اثر نیروی جاذبه آن کره بر آن جسم است که در کرات مختلف کم و زیاد می‌شود؛ اما در بین کرات، حالت بی‌وزنی حاصل می‌شود و اگر جبران نشود، به سیستم‌های بدن، مخصوصاً جریان خون و عصبی صدمه شدید وارد می‌شود. علم امروز با ایجاد فشار مصنوعی، کمبود فشار یا ازدیاد آن را تنظیم می‌کند و با تزریق فشار مناسب در لباس فضانوردان، فشار بدن آن‌ها تنظیم می‌شود. در سفر فضایی پیامبر هم تنظیم این فشار امر ممکن است.

۳. امروزه مشکل بی‌هوایی با ذخیره‌سازی اکسیژن در کپسول‌های هوا حل شده است. بعید نیست، پیشرفته‌تر از این وسایل برای پیامبر آماده شده باشد.

۱. برای مطالعه مشاهدات پیامبر در آسمان و فوق آسمان‌ها، رک: زکی‌زاده رنانی، علیرضا، پژوهش قرآنی و روایی درباره معراج پیامبر، ص ۱۳۱ - ۲۱۷.

۲. شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۳۲.

۴. هرچند اشعه‌های خطرناک کیهانی، ماورای بنفش، ایکس و... با سرعتی معادل نور به بدن برخورد و باعث نابودی آن می‌شوند، اما امروزه ثابت شده از چنین اشعه‌های خطرناک می‌توان با پرده کاغذ سیاه محافظت کرد. پس محافظت پیامبر از چنین اشعه‌هایی، بسیار آسان است.

۵. درست است که شهاب‌سنگ‌های بسیاری در فضا وجود دارد و در هر سال، حدود ۲۰۰۰ شهاب به جرم متوسط ۱۰۰ کیلوگرم به زمین برخورد می‌کند و تقریباً ۲۰۰ تن به جرم زمین افزوده می‌شود، اما امروزه معلوم شده برخورد با شهاب‌سنگ‌ها در سفر فضایی بسیار کم است و با هدایت درست می‌توان از برخورد با شهاب‌سنگ‌ها جلوگیری کرد.<sup>۱</sup>

سفر شگفت‌انگیز معراج، به بشر امروز این نوید را می‌دهد که با تلاش علمی بیشتر می‌تواند فضا را به تسخیر خود درآورد.<sup>۲</sup>

## ۲. خدانشناسی و قرب به خدا

معراج، از مقدار قرب و لقای انسان نسبت به خدا پرده بر می‌دارد؛ قربی که هیچ موجود دیگری، حتی ملائکه مقرب یارای رسیدن به آن را ندارد. خداوند متعال در ترسیم این قرب در آیه ۹ و ۸ سوره نجم می‌فرماید: «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى»؛ آن‌گاه به مقام قرب نزدیک شد و به تواضع افتاد. «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»؛ این فاصله، به اندازه کمتر از دو کمان رسید. «قاب» به معنای اندازه، و «قوس» به مفهوم کمان تیراندازی است و هر قوس، نیم‌متر است.

عرب تعبیر به «قوسین» را در جایی به کار می‌برد که دو نفر یا دو قبیله با هم پیوند و اتحاد پیدا کرده‌اند. این تعبیر در قرآن نیز نهایت نزدیکی معنوی و روحانی میان خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می‌رساند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: در شب معراج، خدا هزار مرتبه به من فرمود: «أُذُنُ مَنِّي»؛ نزدیک بیا.<sup>۳</sup> پس حجاب‌های نورانی یکی پس از دیگری کنار

۱. برای مطالعه مطالب علمی بالا، ر.ک: مجله فضا، شماره ۵، ص ۳۴؛ ش ۱۳، ص ۶۸؛ ش ۳۲، ص ۳۳. به نقل از: زاکی‌زاده، علیرضا، معراج پیامبر، ص ۲۸۳-۲۸۸.

۲. «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان، آیه ۲۰)

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۷۹.

می‌رفت تا این‌که ملکوت آسمان‌ها را دیدم.<sup>۱</sup> این‌جا بود که نهایت نزدیکی میان بنده و خدا محقق شد.

معراج، نویدی است بر این‌که: هرگاه بنده، به مقام قرب الهی قدم گذارد و از ماسوی الله جدا شود (مقام انقطاع) و به او متصل گردد (مقام فنا)، می‌تواند به اندازه توانش لقای الهی را درک کند و ملکوت الهی را رؤیت نماید.

### ۳. پیامبرشناسی و پیوند ادیان توحیدی

در شب معراج، خدای متعال تمام پیامبران را محشور کرد و در یک گردهمایی پیامبرانه، همه آنان به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اقرار کردند. پس از خواندن نماز جماعت به امامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب شد: «وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ».<sup>۲</sup> پیامبر از آنان پرسید: به چه چیزی گواهی می‌دهید؟ آنان گفتند: گواهی می‌دهیم که معبودی جز خدا نیست و تو رسول خدایی.<sup>۳</sup> این قرار و نماز جماعت، اشتراک و پیوند انبیای الهی را در هدف، تعالیم و آموزه‌ها می‌رساند. پس می‌توان گفت: سفر ملکوتی پیامبر اکرم به بیت‌المقدس که محل بعثت بسیاری از پیامبران الهی بود، نشانگر پیوند ادیان توحیدی با هم می‌باشد؛ پیوند محکمی که از آدم تا خاتم استمرار داشته است.

### ۴. ولایت و امامت

یکی از مهم‌ترین ره‌آوردهای معراج، ولایت امیر مؤمنان و ائمه اطهار علیهم‌السلام بود. ابن عباس می‌گوید: شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله علی رضی الله عنه را با لقب امیرالمؤمنین خطاب کرد. پرسیدم: آیا این لقب به دستور خدا است یا از روی محبت است؟ فرمود: شب معراج، بر هر دری از درهای بهشت که دیدم، روی آن نوشته بود، علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین است.<sup>۴</sup>

۱. شیخ صدوق، امالی، ص ۱۵۰.

۲. زخرف، آیه ۴۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۰۸.

۴. همان، ج ۳۷، ص ۳۳۹.

امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: در معراج ندا رسید آیا برای خودت جانشین برگزیده‌ای تا وظایف‌ات را ادا کرده و تعالیم قرآن را بیاموزد؟ گفتم: جانشین مرا معلوم کنید. خدا فرمود: علی علیه السلام را برگزیدم و به او دانش و صبر عطا نمودم. علی، نشانه هدایت و پیشوای هر کس است که مرا اطاعت کند. هر کس او را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس به او دشمنی ورزد، با من دشمنی ورزیده است.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: در معراج سه جا نام تو را کنار نام خود دیدم و دلم آرام گرفت. روی صخره بیت المقدس، سدره المنتهی و عرش الهی نوشته بود: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، أَيْدِيَهُ بَوَزِيرِهِ وَ نَصْرَتُهُ بَوَزِيرِهِ».<sup>۲</sup> ذیل آیه «وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا»<sup>۳</sup> آمده است: شب معراج خداوند متعال تمام پیامبران را جمع کرد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از آنان بپرس برای چه چیزی مبعوث شدید؟ همگی به پیامبر عرض کردند: «بُعِثْنَا عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْإِقْرَارِ بِنَبُوتِكَ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام».<sup>۴</sup>

امام باقر علیه السلام آیات سوره نجم را این‌گونه تفسیر نمود: «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى»؛ یعنی هرگز صاحب شما محمد صلی الله علیه و آله در مورد علی علیه السلام منحرف نشد و مقصد را گم نکرد. «فَأَوْحَىٰ إِلَيْ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ»؛ خدا آنچه را وحی کرده بود، به بنده‌اش وحی نمود. پیامبر فرمود: به من وحی شد که حضرت علی علیه السلام، سید و آقای مسلمانان و پیشوای متقین و رهبر سفیدرویان است و او است اولین جانشین من. عده‌ای گفتند: آیا این حرف‌ها، از طرف خدا است یا از طرف تو؟ آیه نازل شد: «مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ»؛ یعنی قلب پیامبر در آنچه دید، یقین پیدا کرد و آن را دروغ پنداشت. «افتمارونه علی ما یری»؛ آیا با او درباره آنچه دیده، مجادله می‌کنید و باور ندارید.

۱. شیخ طوسی، امالی، ص ۳۴۳.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۴، ح ۵۷۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۸۸.

۳. زخرف، آیه ۴۵.

۴. ابن بطریق حلی، العمده، ص ۳۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۵۵.

سپس پیامبر فرمود: من از طرف خدا شما را امر می‌کنم که او بعد از من، ولی و سرپرست شما است و او به منزله کشتی است که هر کس وارد آن شود، نجات می‌یابد و هر کس از آن خارج شود، غرق می‌شود.<sup>۱</sup>

پیامبر فرمود: جبرئیل در شب معراج ندا داد: «لَوِ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ؛<sup>۲</sup> اگر امت تو بر دوستی حضرت علی علیه السلام اجتماع می‌کردند، خداوند آتش را خلق نمی‌کرد.»

در حدیث دیگر آمده که در معراج خطاب آمد: ای محمد! اگر بنده‌ای مرا آن چنان عبادت کند که همچون مشک پوسیده گردد و نزد من آید، ولی ولایت شما را نداشته باشد، او را وارد بهشت نخواهم کرد.<sup>۳</sup>

جابر از امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: در شب معراج، اسامی امامان بر ساق عرش با نور نوشته شده بود که دوازده نام بود: علی و دو فرزندش (حسن و حسین) و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم. پس اینان امامان از اهل بیت من می‌باشند که برگزیده و پاک‌اند.<sup>۴</sup>

روایات در سفارش به امر ولایت و امامت در شب معراج، بسیار است. روایاتی که تا کنون بیان شد، به صراحت دلالت دارند که یکی از مهم‌ترین توصیه‌های خدا به پیامبر در این شب مبارک، سفارش به ولایت و امامت بود. آن قدر این مسأله مهم بود که فرشتگان در هر برخورد با پیامبر صلی الله علیه و آله، از علی علیه السلام سؤال می‌کردند و به او سلام می‌فرستادند.<sup>۵</sup> در آسمان‌ها فرشته‌ای به سیمای علی علیه السلام وجود داشت و تمثال او زیارتگاه ملائکه است.<sup>۶</sup> نام علی علیه السلام با نور بر درهای بهشت و عرش الهی نقش بسته است.<sup>۷</sup> این‌ها نشانگر عظمت ولایت، حتی در میان آسمانیان و ملائکه است.

۱. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۳۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۴۸.

۳. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۹۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۵۷.

۵. همان، ج ۱۸، ص ۳۹۸.

۶. همان، ص ۳۰۴.

۷. همان.

### فاطمه زهرا علیها السلام

وجود مبارک فاطمه زهرا علیها السلام، از هدایای الهی در معراج بود. پیامبر اعظم می‌فرماید: هنگامی که در معراج وارد بهشت شدم، جبرئیل میوه درخت طوبی را برایم آورد (بر اساس برخی روایات، خرما آورد)، آن را تناول کردم و از آن جوهره وجودی زهرا علیها السلام پدید آمد.<sup>۱</sup> هرگاه مشتاق بهشت شوم، بوی خوش فاطمه را می‌بویم.<sup>۲</sup> بدین صورت، سلاله پاک یازده امام در معراج پدید آمد و ولایت آنان، بر ما منت نهاده شد.

### ۵. آسانی شریعت و نمازهای روزانه

گرچه ما باور داریم که تکالیف الهی محال و ناممکن نیستند، اما گاهی این تکالیف به دلیل شرایط، زمانی و مکانی دارای دشواری‌هایی بودند. از این رو، خداوند بر امت رسول خدا صلی الله علیه و آله منت گذاشت و این تکالیف را آسان‌تر نمود. روشن است که این لطف به دلیل جایگاه و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج شامل حال این امت شد.

الف. برداشته شدن تکلیف‌های دشوار (آسانی شریعت)

آیات پایانی سوره بقره (۲۸۴ تا ۲۸۶)، پرده از عنایت ویژه خدا به امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برمی‌دارد و تکالیف سختی که بر امت‌های پیشین بود، طبق این آیات از این امت برداشته شده است. در روایتی، امام علی علیه السلام ۹ تکلیف دشوار را می‌شمارد که در معراج از دوش امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برداشته شد:

۱. عبادتگاه امت‌های پیشین، مکان خاصی بود؛ اما برای این امت، عبادت در هر جای زمین مورد قبول است؛

۲. امت‌های پیشین باید قربانی خود را به بیت‌المقدس می‌بردند و علامت پذیرش قربانی، آتشی از ناحیه خدا بود که آن قربانی را می‌سوزاند؛ ولی قربانی امت پیامبر به فقرا تعلق گرفت (به جای سوختن قربانی)؛

۳. در امت‌های پیشین، وجوب نماز در نیمه شب و در نیمه روز بود؛ اما در این امت، وقت آن تا آخر روز و شب گسترش یافت تا برای کار و خواب، فراغت بیشتری داشته باشند؛

۱. همان، ص ۳۶۴.

۲. همان، ص ۳۵۰: «فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ فَاطِمَةَ علیها السلام».

۴. برای امت‌های گذشته، پنجاه رکعت در پنج نوبت واجب بود. این تکلیف برای امت پیامبر اعظم، به ۱۷ رکعت کاهش یافت؛
۵. پاداش عمل نیک، یک برابر بود که برای امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ده برابر شد؛
۶. در امت‌های پیشین، نیت گناه، گناه بود و نیت نیکی، ثوابی نداشت؛ اما در امت پیامبر، نیت گناه، گناه نیست و نیت کار نیک، ثواب دارد؛
۷. در امت‌های پیشین، گناه افراد، علنی می‌شد و بر در خانه‌هایشان نوشته می‌شد و توبه آن، به حرام شدن غذاهایی که دوست داشتند، بود؛ اما در این امت، گناهان، پوشیده می‌شود و توبه آن، بدون هیچ عقوبتی محقق می‌گردد؛
۸. در امت‌های گذشته، هر گناه، کیفری دنیوی داشت؛ اما در این امت، با پشیمانی، گناهان آمرزیده می‌شود؛
۹. در امت‌های پیشین اگر لباسشان نجس می‌شد، باید آن مقدار را می‌بردند؛ اما برای امت پیامبر اعظم، آب و خاک پاک‌کننده قرار داده شد.<sup>۱</sup>
- ب. نمازهای روزانه
- نماز، به عنوان ستون دین و قبولی اعمال دیگر، از دست‌آوردهای معراج می‌باشد و بر آن، روایت‌های متواتر دلالت دارد.
- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در معراج، خدا به پیامبر خطاب کرد: بر تمام انبیای گذشته پنجاه نماز واجب کردم؛ همان پنجاه نماز را بر امت تو نیز واجب می‌کنم. حضرت موسی علیه السلام به پیامبر گفت: امت تو، طاقت این همه نماز را ندارند، درخواست تخفیف کن. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: در *سدرۃ المنتهی* به سجده افتادم و درخواست تخفیف نمودم. خداوند متعال ده نماز را تخفیف داد. این ماجرا چند مرتبه تکرار شد تا به پنج نماز تخفیف یافت. ندا آمد: این پنج نماز، ثواب پنجاه نماز دارد. هر فرد از امت تو، هر کار ثوابی انجام دهد، ده برابر ثواب برایش می‌نویسم. امام صادق علیه السلام فرمود: خدا از

۱. ر.ک: احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۹.

طرف این امت، به حضرت موسی علیه السلام جزای خیر دهد (او باعث شد که تکلیف این امت آسان شود).<sup>۱</sup>

امام سجاده علیه السلام در جواب این سؤال که چرا پیشنهاد تخفیف از ناحیه حضرت موسی بود، فرمود: پیامبر به میل خود از خدا چیزی نمی‌خواست و درباره چیزی که به او دستور داده می‌شد، آن را می‌پذیرفت (مقام تسلیم و رضا)؛ اما وقتی حضرت موسی علیه السلام شفیع امت شد و درخواست تخفیف نمود، بر پیامبر روا نبود که به این درخواست پاسخ مثبت ندهد.<sup>۲</sup>

## ۶. اخلاق

یکی از احادیث قدسی، روایت معراج است. این حدیث، پاسخ پرسش‌هایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدا پرسیده است. به برخی از فرازهای این مجموعه اخلاقی - عرفانی اشاره می‌شود:

### الف. ویژگی‌های اهل دنیا:

اهل دنیا پرخور، پرخواب، همواره خندان، از خود راضی و از دیگران طلبکارند. اینان اگر بدی کنند، پوزش نمی‌طلبند، عذر دیگران را نمی‌پذیرند، در عبادت کسل و بر معصیت شجاع‌اند، آرزوهای دراز دارند، حساب‌رسی نفس ندارند، به دیگران نفع نمی‌رسانند، حراف‌اند، ترس از خدا ندارند، بر غذا شادمان‌اند، اهل شکر و صبر نیستند، مردم را به حساب نمی‌آورند، ستایشگر خود هستند، مدعی چیزی هستند که در آنان نیست، از مردم انتظار بسیار دارند و همواره بدی‌های مردم را بازگو می‌کنند.<sup>۳</sup>

### ب. ویژگی‌های اهل آخرت:

اهل آخرت، چهره با نجابت و حیای فراوان دارند، عاقلانه عمل می‌کنند، اهل خیرند، اهل نیرنگ نیستند، مردم از آنان در آسایش‌اند و خود در سختی قرار دارند،

۱. رک: علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱، با تلخیص؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۲۸.

۲. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۲، باب ۱۱۲. برای مطالعه حکمت نماز در هر رکعت با یک رکوع و دو سجده، رک: بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۶۱.

۳. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۱.

سنجیده سخن می‌گویند، محاسبه نفس دارند، چشمشان به خواب می‌رود و دلشان بیدار است، چشمشان گریان و دلشان به یاد خدا است، اهل ذکرند، در آغاز نعمت اهل حمد و در پایان آن شاکرند، دعایشان قبول، ملائکه از آنان خوشنودند، خدا دوست دارد سخن آنان را بشنود، لحظه‌ای از خدا غافل نیستند، پرخور و پرگو نیستند، اسراف در لباس ندارند، خدا در نظر آنان زنده و بزرگ است، کسانی را که به آنان پشت کرده‌اند می‌خوانند و کسانی را که به آنان روی آورند می‌پذیرند، دنیا و آخرت در نظرشان یکسان است، مردم در عمرشان یک بار می‌میرند؛ اما اهل آخرت با مبارزه با نفس هفتاد بار می‌میرند و...<sup>۱</sup>

#### ۷. خبردهی از غیب

معراج، به عنوان سفری ملکوتی، دری از غیب را پیش روی بشر گشود و او را با جهان غیب که جهان بسیار وسیع‌تر و عجیب‌تر است، آشنا کرد. اینک به چهار روایت از اخبار غیبی دنیوی و اخروی اشاره می‌شود:

#### الف. دو خبر غیبی اخروی:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ملکی را با هزار دست و هر دست با هزار انگشت مشغول شماره کردن دیدم. جبرئیل گفت: او موکل و حافظ قطرات باران است. او می‌دانست چند قطره به دریا، باغ، شوره‌زار، و... می‌ریزد. سپس به پیامبر عرض کرد: اما اگر نام تو در جمعی برده شود و صلوات فرستند، خدا ثواب آن را چندان زیاد می‌گرداند که نمی‌توانم آن را شماره کنم.<sup>۲</sup>

این روایت، از سرّی عجیب پرده برمی‌دارد که اتفاقات این عالم باطنی دارد که ما از آن بی‌خبریم و این جهان توسط کارگزارانی به نام ملائکه اداره می‌شود؛ «فَالْمُدْبِّرَاتِ أُمَّرًا»<sup>۳</sup>

۲. پیامبر در معراج قصرهای زیبایی دید. پرسید: این قصرها برای کیست؟ جبرئیل عرض کرد: قصر قرمز برای کسی است که بعد از نماز صبح، ۴۰ بار بگوید: «یا باسط

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۴، باب ۲.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۵۵.

۳. نازعات، آیه ۵.

الیدین بِالرَّحْمَةِ ارْحَمْنِي.» قصری که ۷۰ در دارد، برای کسی است که بعد از نماز ظهر، ۷۰ بار بگوید: «یا واسعَ المَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي...»<sup>۱</sup> به طور کلی، اذکار، آثار بسیاری بر جسم، روح و آخرت دارد و در این ماه مبارک نباید از آن‌ها غافل بود. این روایات، پرده از حقیقتی عجیب برمی‌دارد که هر کس خود را مشغول دنیا کند، دچار چه خسران بزرگی می‌شود؛ «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»<sup>۲</sup>

#### ب. دو خبر غیبی دنیوی:

۱. پیامبر فرمود: در آسمان چهارم، قبه‌ای نیکو با چهار رکن دیدم. جبرئیل گفت: این صورت شهری است که شیعیان تو و وصی تو در آن جمع می‌شوند. دیدم پیرمردی در آن نشسته است. جبرئیل گفت: او شیطان است. در این شهر اقامت گزیده تا مردم را از دوستی علی علیه السلام منع کند. پیامبر به جبرئیل فرمود: مرا به آن‌جا برسان. سپس به شیطان فرمود: قم، یعنی بلند شو که تو را از آنان نصیبی نیست.<sup>۳</sup> هر شیعه باید قدر ولایت را بداند و از وسوسه‌های شیطان برحذر باشد.

۲. وقتی امام حسن علیه السلام زهر نوشید و رنگش سبز شد. امام حسین علیه السلام پرسید: چرا رنگ چهره شما سبز شد؟ امام حسن فرمود: حدیث جدم در حق من و تو درست است. پیامبر فرمود: شب معراج در بهشت دو قصر از زبرجد سبز و یاقوت سرخ دیدم. وقتی دلیل سبزی و سرخی قصرها را پرسیدم، جبرئیل گفت: سبزی قصر حسن علیه السلام، به واسطه سبزی رنگ چهره او در اثر زهر است و سرخی قصر حسین علیه السلام، به جهت سرخی خون او با شهادت است.<sup>۴</sup>

#### منابع:

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۲. بیضاوی، عبدالله، انوار التنزیل، بیروت: مؤسسه شعبان، بی تا.
۳. حر عاملی، محمد، اثبات الهداة، اعلمی، ۱۴۲۵ق.

۱. رک: بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۵۲. هفت قصر برای هفت ذکر آمده است.

۲. عصر، آیه ۱.

۳. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۴۵.

۴. دیلمی، حسن، ارشاد القلوب، تهران: اسوه، ۱۴۱۷ق.
۵. زکی‌زاده رنانی، علیرضا، پژوهش قرآنی و روایی درباره معراج پیامبر، قم: زائر، ۱۳۹۰ش.
۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۷. صدوق، محمد، امالی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۸. \_\_\_\_\_، علل الشرائع، قم: داوری، بی‌تا.
۹. \_\_\_\_\_، عیون اخبارالرضا علیه السلام، جهان، ۱۳۷۸ش.
۱۰. \_\_\_\_\_، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۱۱. صفارقمی، حسن، بصائر الدرجات، ترجمه علیرضا زکی‌زاده رنانی، قم.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، قم: جامعه مدرسین، بی‌تا.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت: اعلمی، ۱۴۱۵ق.
۱۵. طوسی، محمد، التبیان، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. \_\_\_\_\_، الغیبه، قم: معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۷. \_\_\_\_\_، امالی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۱۸. عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، الرعاية فی علم الدراية، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۱۹. فخررازی، تفسیر مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بی‌جا، بی‌تا.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء، قم: جامعه مدرسین، بی‌تا.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۲۳. لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۲ش.
۲۴. مازندرانی، ملاصالح، شرح اصول الکافی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۶. محمدی شاهرودی، عبدالعلی، معراج در آینه استدلال، تهران: اسوه، ۱۳۷۹ش.
۲۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.